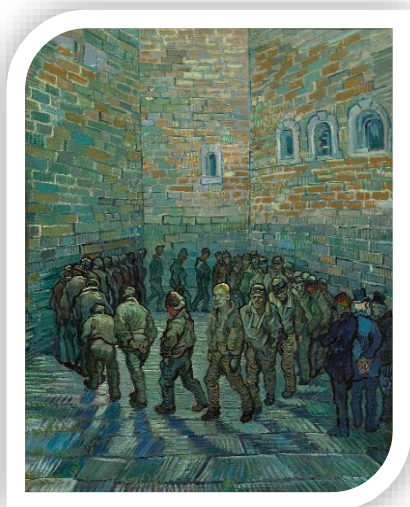


پایانِ وقت هواخوری

شیرین کریمی



تأملاتی درباره‌ی زندان‌ها و بیماری‌ها



مرور تاریخ فلاکت‌های بشر، آدمی را به میزان قابل‌تحملی از درد می‌رساند، هنگام خوانش تاریخ زمان فعل‌ها گذشته‌اند. فعل‌های ماضی اندکی از رنج تجربه‌ی زندان و اندوه تأمل در وضع بیماری در زندان را می‌کاهند؛ چون گمان می‌کنیم رنج و اندوهی است مربوط به گذشته و خیال می‌کنیم حالا اوضاع جهان بهتر شده است. اکنون اما واقعیت بی‌رحمانه در چشم ما زل زده است. فعل‌ها حالِ مستمرند، مضارع ملموس: اتفاق دارد می‌افتد. زمانِ اکنون است، خبر بد به گوش همه رسیده است. فعل‌ها زمان آینده را نیز تسخیر کرده‌اند و جمله‌ی هولناک بر زبان می‌آید: «مرض از جامعه به زندان‌ها سرایت خواهد کرد و از زندان‌ها به جامعه.» زندان‌های مدرن شکل‌های تازه‌ای به خود گرفته است. اما پس از شیوع ویروس کرونا در جهان شهرها خود به مجتمع‌های زندان تبدیل شده‌اند.

در این جستار پس از نگاهی اجمالی به پیشینه‌ی زندان در ایران، مروری بر وضع شیوع ویروس کرونا در زندان‌های نظام‌های قضایی برخی از کشورهای جهان دارم و بعد تأملی دارم بر هزاران هزار زندان ساخته‌ی دست نظام سرمایه‌داری.

در گزارش‌هایی که درباره‌ی وضع زندان‌های ایران در عصر قاجار و پهلوی بر جای مانده است، آن‌طور که پیداست وجود امراض مُسری خصوصیتِ همیشگی و همه‌جایی زندان‌ها بوده است. در کتاب *تاریخ زندان در عصر قاجار و پهلوی* (۱۳۹۰) نوشته‌ی ناصر ربیعی و احمد راهرو خواجه درباره‌ی زندان‌های رضاشاهی گزارش‌هایی آمده است از این قرار که در دوره‌ی بروز اپیدمی در مریض‌خانه‌ی زندان جایی برای پذیرش بیماران نمی‌ماند، مریض‌های تیره‌روز را روی سِمنَت کزیدورها می‌خوابانند. یکی از خوانین بختیاری تعریف می‌کرد که «صبح‌گاه سردی در حیاط مریض‌خانه‌ی زندان قدم می‌زدم، در گوشه‌ای نعش پنج شش تن را که از تیفوس مرده بودند قرار داده بودند، ناگهان مشاهده کردم که یکی از مُرده‌ها به خود حرکتی داده، پیش رفتم، معلوم شد گردی که دیشب به حالت اغما بوده در زمره‌ی اموات به حیاط گذاشته بودند تا امروز دفن شود، برودت هوا او را به هوش آورده بود. من مأموران زندان را آگاه کردم تا کُرد بیچاره را از میان مردگان

به بستر خود نقل دهند.» در شیراز زندان شهربانی وسط شهر قرار داشت و از نظر بهداشت برای زندانیان و اهالی اطراف زندان دردسرساز بود، بعضاً موجب سرایت امراض مسری بین اهالی شیراز می‌شد، در سال ۱۳۰۷ شمسی زندان ارگ کریم‌خانی محبس مجاهدان و زندانیان سیاسی بود، زندانیان در وضعیت به‌غایت بد و گشوده‌ای قرار داشتند، در زیرزمین‌های مرطوب و فاقد هوا و نور. بیش‌تر زندانیان به علت رطوبت به امراض مختلف مبتلا می‌شدند. در خوزستان زندان‌ها به علت گرما و بدی آب‌وهوا وضع به مراتب بدتر از سایر نقاط بود، امراض مسری به شدت شیوع می‌یافت و زندان‌ها فاقد کم‌ترین امکانات بود؛ روماتیسم و سل شایع بود، پزشک و مواد ضدعفونی‌کننده نبود. در اکثر زندان‌های خراسان امراض مسری همچون تیفوس بسیار شایع بود. زندان اصفهان دخمه‌ی هولناکی بود که صغیر و کبیر در آن حبس بودند و مرض تیفوس در میان‌شان شایع بود. در مریض‌خانه‌های زندان‌های پهلوی اوضاع به قدری مهیب بود که محبوسان ترجیح می‌دادند گوشه‌ی سلول خود بمیرند ولی نزد پزشکان زندان نروند، زندانیان می‌کوشیدند بیماری خود را مخفی نگاه دارند.

یکصدوسی سال پس از بنای قصر قاجار، زندان قصر اولین زندان مدرن ایران بر روی ویرانه‌های آن بنا شده بود. ملک‌الشعراى بهار در دوره‌ی پهلوی اول سه بار گرفتار حبس و در این زندان به مرض سل مبتلا شد و تا پایان عمر زجر کشید از این سوغاتی زندان. احسان طبری، از اعضای گروه ۵۳ نفر که در سال ۱۳۱۶ در این زندان حبس شد، درباره‌ی زندان قصر رضاشاهی می‌نویسد: «فصل زمستان تیفوس و فصل تابستان تیفوید به سراغ محبوسان می‌آمد و به‌خصوص از محبوسان کریدورهای بزرگ کشتار سبعانه‌ای می‌کرد، در مریض‌خانه به جای این که از مرگ زندانیان بی‌کس و بی‌یاور جلوگیری کنند آن را تسریع می‌نمودند. نام مریض‌خانه یکسان با نام مرگ وحشت ایجاد می‌کرد. پرستاران بدخو، پزشکان بی‌رحم، دوا کم، غذا بد، رعایت بهداشت غیرممکن و معالجه در این محوطه‌ی شوم محال بود. پرستاران اغلب داروهای مریض‌خانه را می‌فروختند و فقط در

مورد زندانیان ثروتمند اثر کسبون‌ها و ادویه‌ی مؤثر را به کار می‌بردند، با بیماران تنگدست نهایت درجه‌ی بدرفتاری می‌شد و این پرستاران عیناً سخنان مأموران اداره‌ی سیاسی را به محبوسانی که در آتش تب می‌سوختند و از شدت مرض بی‌تاب می‌شدند تکرار می‌کردند.» [۱]

گزارش‌های برجای‌مانده از مرگ و مرض در زندان مخوف قصر تصاویری تلخ و هولناک برای ما ترسیم می‌کند. اما این تصاویر تلخ و هولناک زندان در تاریخ ایران مدرن همچنان در دهه‌ی بعد تکرار و تکرار شد. خاطرات بازمانده از زندانیان در دوران پهلوی دوم و نیز چند دهه‌ی اخیر همگی گویای انبوه تصاویر هولناک از زیست روزمره‌ی زندانیان است. در گزارش‌هایی که از برخی زندان‌های ایران در سال‌های پس از انقلاب منتشر شده است نیز وضع بهداشت و مواجهه‌ی کارکنان زندان‌ها با بیماری‌های واگیردار تعریفی ندارد. در سال‌های اخیر گزارش‌هایی درباره‌ی بیماری‌های واگیردار پوستی، بیماری‌های عفونی و منتزیت منتشر شده است. [۲] این روزها گزارش‌های شیوع ویروس کرونا در زندان‌های ایران نیز هر روز از سوی زندانیان منتشر می‌شود. وضع نابه‌سامان و غیرشفاف است.

اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی شیوع ویروس کرونا از چین آغاز شد. قرنطینه و کمربند حفاظتی تشکیل شد، عبور و مرور مردم و انتقال کالا ممنوع شد، مردم در خانه‌ها حبس شدند، چندی بعد همزمان با انتشار خبر مهار ویروس در چین اعلام شد که زندانیان و زندانبانان در زندان رنچنگ در شرق استان شاندونگ دسته‌جمعی به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند، شمار زندانیان و کارکنان این زندان بیش از دو هزار نفر است. گزارش داده شد که برخی از نگهبانان زندان در اوایل ماه فوریه علایم سرفه داشتند و یکی از افسران زندان به دلیل سرفه‌ی شدید قرنطینه شد و ابتلای وی به ویروس کرونا تأیید شد، سپس با انجام آزمایش معلوم شد ۲۰۰ نفر زندانی و هفت نفر از کارکنان زندان‌ها به ویروس مبتلا شده‌اند. [۳]

زندان‌های ایتالیا از پرازدهام‌ترین زندان‌های اروپا هستند. پس از شیوع ویروس کرونا در ایتالیا ملاقات با زندانیان ممنوع اعلام شد. زندانیان از به‌کار بستن محدودیت‌ها خشمگین شدند و دست به شورش زدند، شورش دو روز به طول انجامید و طی آن شش تن از زندانیان جان باختند. برخی از کشته‌شدگان در اثر مصرف بیش از حد داروهای جان‌باختند که پس از آغاز شورش از کلینیک زندان به سرقت برده بودند. در یکی از زندان‌ها شورشیان دو تن از نگهبانان را گروگان گرفتند، ساعت‌ها بعد پس از یورش پلیس به درون زندان گروگان‌ها آزاد شدند. در زندان سن‌ویتو در شهر میلان شماری از زندانیان به پشت‌بام زندان رفتند، پرچم ایتالیا را بالا بردند و خواهان عفو عمومی شدند. در زندان شهر توسکانی زندانیان تَشک‌هایشان را به آتش کشیدند. در زندان شهر سیسیل محکومان مافیایی شورش کردند، این شورش به‌دست نگهبانان کنترل شد. پنجاه تن از زندان فوجای جنوبی فرار کردند و نیمی از آنان دستگیر شدند.[۴]

در ایالات متحد آمریکا ۲,۳ میلیون نفر در زندان‌ها، بازداشت‌گاه‌ها و بیمارستان‌های روانی هستند. در زندان‌های آمریکا حمام، مستراح و سالن غذاخوری مشترک است. مستراح‌ها به‌ندرت سرپوش دارند، از سینکِ مستراح برای شستن دست و مسواک‌زدن هم استفاده می‌شود. اغلب زندانی‌ها در سلول‌های کوچک چهارنفره حبس‌اند و مواد ضدعفونی‌کننده و الکل در زندان ممنوع است. تهویه‌ی هوا ضعیف است، دریچه‌ها به‌ندرت باز می‌شوند و زندانی در صورتی صابون خواهد داشت که بتواند هزینه‌ی آن را پرداخت کند. چهل درصد از زندانیان ایالات متحد آمریکا از بیماری‌های مزمن رنج می‌برند. وضعیت زندان‌ها به‌خودی‌خود غیرانسانی است و در شرایط شیوع بی‌امان ویروس کرونا و بازداشت و آزادی مداوم زندانی‌ها، این مکان‌ها تهدیدی جدی برای جامعه خوانده شده‌اند. برخی از افراد فقط دو یا سه روز در زندان هستند و پس از آزادی نزد خانواده و والدین سالخورده‌ی خود بازمی‌گردند.[۵] واقعیت این است که جامعه نیز

تهدیدی جدی برای زندان‌هاست. بیماری‌های عالم‌گیر مرزهای زندان‌های رسمی و سایر نقاط جوامع را شکننده و محو می‌کند.

در زندان ایالتی سان کوئنتین نشانه‌های ویروس کرونا دیده نشده است ولی به دلیل مشاهده‌ی علائم شبه آنفلوآنزا برای احتیاط بخش‌هایی از این زندان را قرنطینه کردند، ملاقات ممنوع اعلام شد و غربالگری زندانیان و ضدعفونی ساختمان‌های زندان آغاز شد. [۶] در برزیل پس از شیوع ویروس کرونا و افزایش ترس از ابتلا، صدها نفر از زندانیان از چهار زندان در ایالت ساوپائولو فرار کردند. [۷]

هومر ونترس، پزشک و اپیدمیولوژیست، در سال ۲۰۰۹، هنگام شیوع آنفلوآنزای خوکی (H۱N۱) عضو تیم مسئول مهار و نظارت بر این بیماری در زندان‌های نیویورک بود. ونترس اکنون در نهاد نظارت بر خدمات بهداشتی و درمانی در بازداشت‌گاه‌ها و زندان‌ها مشغول به همکاری است. او در گفت‌وگو با [نیویورکر](#) می‌گوید زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌ها مملو از جمعیت است و زندانیان و کارکنان زندان نسبت به عموم مردم در معرض خطر بیش‌تری قرار دارند. زندانیان در کنار افرادی حبس می‌شوند که با مشکلات جدی سلامتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. از زمان شیوع ویروس کرونا اصطلاحاتی میان مردم رواج یافته است، مثل «فاصله‌گیری اجتماعی»، «خودقرنطینگی» و «مسطح کردن منحنی» [برای ارائه‌ی اطلاعات درباره‌ی شیوع و کنترل بیماری نمودارهایی ترسیم می‌شود که اثرات اقدامات انجام‌شده و سرعت شیوع و کنترل بیماری همه‌گیر را نشان می‌دهد. هنگامی که تلاش‌های همگانی برای مهار بیماری و مسطح کردن منحنی بیماری بسیار اهمیت دارد اصطلاح مسطح کردن منحنی یا Flattening the curve زیاد به کار می‌رود.] به گفته‌ی ونترس واقعیت این است که تمام این اصطلاحات در زندان‌ها بی‌معناست. اجرای آن‌ها در زندان‌ها وضع را بدتر می‌کند، در محبس هر تلاشی برای اجرای این کارها شیب بالارفتن منحنی را سریع‌تر می‌کند. وقتی فردی دستگیر می‌شود ابتدا بازداشت می‌شود، سپس به دادگاه و بعد به زندان می‌رود و در تمام این مراحل میان انبوهی از افراد در رفت‌وآمد است، می‌ایستد و اگر نیمکتی برای نشستن پیدا نکند، روی

زمین می‌نشینند. انتقال بیماری‌های واگیردار بسیار سریع است. شست‌وشوی دست در بیش‌تر زندان‌ها غیرممکن است. در بسیاری از مستراح‌ها و روشویی‌ها دستمال کاغذی و صابون نیست. اغلب بیماری از یک سلول شروع می‌شود، سپس به سلول دوم و سوم سرایت پیدا می‌کند، گویی نقشه‌ی زندان‌ها از اساس برای گسترش بیماری‌های واگیردار طراحی شده است.

هومر و نترس در مورد راهبردهای پیشگیری از بدتر شدن اوضاع در زندان‌ها می‌گویند مهم‌ترین کار این است که در ساختمان زندان مکانی مجزا شود برای نگهداری زندانیانی که سالم‌اند. اگر بتوان مکانی برای زندانیانی که علائم حاد بیماری دارند در نظر گرفت باید این کار صورت بگیرد. ولی درباره‌ی زندان‌هایی که مملو از زندانیان است، سلول‌ها جای خالی ندارند و نمی‌توان زندانیان را از یکدیگر دور کرد فقط می‌توان گفت این مکان‌ها دستاورد جدید بشر برای انتقال بیماری‌اند. تا زمانی که کاری بنیادین در مورد زندان‌ها انجام نشود عمر این بیماری برای همگان طولانی‌تر خواهد شد. در مورد زندان‌هایی که بیش از هفتاد درصد از ظرفیت‌شان زندانی دارند، باید اقداماتی برای کاهش شمار زندانیان انجام شود، جمعی از پزشکان درخواست کرده‌اند که زندانیانی که بیش از شصت سال سن دارند آزاد بشوند، اگر تعداد زندانیان کمتر باشد، علی‌الخصوص اگر افرادی که در معرض خطر بیش‌تری برای ابتلا قرار دارند از زندان آزاد بشوند، احتمال مهار بیماری در زندان‌ها بیش‌تر می‌شود.

ونترس می‌گوید در زندان جزیره‌ی رایکرز هفته‌ی اول شیوع آنفلوآنزای خوکی زمانی که دمای بدن و علائم زندانیان را بررسی می‌کردیم افسری در آن اتاق قدم می‌زد که ماسک N95 به صورتش زده بود و روی ماسک نوشته بود: «به جهان مرگ خوش‌آمدید». ما سعی می‌کردیم تشخیص بدهیم چه کسی مریض است و چه کسی مریض نیست، این کار موحی از آشفتگی در میان زندانیان و کارکنان زندان ایجاد کرده بود و مطمئنم آن افسر هم ترسیده بود و به همین دلیل آن جمله‌ی احمقانه را روی ماسکش

نوشته بود. به نظر و نترس در زمان شیوع بیماری‌های همه‌گیر تعامل با کارکنان زندان باید در اولویت باشد، زیرا همکاری آن‌ها ضروری است و بخش اعظم این همکاری این است که وقتی بیمار هستند یا وقتی کسی بیمار است اعلام کنند و علائم بیماری را در محیط زندان نادیده نگیرند. و نترس درباره‌ی تجربه‌اش در زندان جزیره‌ی رایکرز در زمان شیوع بیماری می‌گوید گفت‌وگو با زندانیان بسیار دشوار بود، تعدادی بچه‌های سالم از شانزده‌ساله به بالا بودند که به آن‌ها گفته شده بود نمی‌توانند هر جایی بروند. در برخی زندان‌ها اگر افرادی بیمار شوند یا پشت میله‌های زندان بمیرند کارکنان زندان‌ها مداخله نمی‌کنند و کارهای اساسی انجام نمی‌شود. زندانی‌ها تلویزیون تماشا می‌کنند و درباره‌ی اهمیت شستن دست می‌شنوند ولی در زندان صابون نیست. آنها درباره‌ی اهمیت رفتن به بیمارستان و مراجعه به پزشک به‌هنگام مشاهده‌ی علائم می‌شنوند ولی هیچ‌چیزی در دسترس آن‌ها نیست. سطح ریاکاری و معیارهای دوگانه هرچه‌و‌مرج شدیدی پشت میله‌ها به بار می‌آورد. دکتر و نترس از احتمال مرگ و میر گسترده در زندان‌ها ابراز نگرانی می‌کند و معتقد است بسیاری از مرگ و میرهای ناشی از این بیماری قابل پیشگیری است. نگرانی و نترس درباره‌ی وجود دو گونه معیار مراقبت است؛ بیماران زندانی که نشانه‌های بیماری را دارند ممکن است از رفتن به بیمارستان منع شوند و ممکن است جان‌شان را از دست بدهند، از سوی دیگر بیماران آزاد در جامعه با همان علائم به بیمارستان‌ها مراجعه می‌کنند و ممکن است درمان شوند. در این شرایط و در شرایطی که قطعاً نرخ مرگ و میر در زندان قابل کاهش است دو نرخ متفاوت از مرگ و میر خواهیم داشت. [۸]

اما تمامی گزارش‌های جدید درباره‌ی مرض کرونا در زندان‌های جهان چیزی کم دارد، چیزی به‌غایت ملموس: این که همه در برابر این ویروس به یک اندازه بی‌دفاعیم. در این بیماری عالم‌گیر نظام زندان‌های جهان سرمایه‌داری و نظام شهرسازی و آپارتمان‌سازی جهان سرمایه‌داری هر دو کارکردی یکسان پیدا کرده‌اند؛ حبس کردن ناگزیر انسان‌ها. البته نمی‌توان میزان رنج و عمق یأس و وسعت تنهایی و شکل شکنجه‌های زندان‌های نظام‌های قضایی را با خودقرنطینگی در آپارتمان‌ها یکی پنداشت. مهم‌ترین نقطه‌ی

مشترک زندانیان در زندان‌های نظام‌های قضایی و زندانیان در آپارتمان‌ها **سلب آزادی حرکت** است. شعار **در خانه بمانیم** شعار مورد علاقه‌ی مخالفان حضور سیاسی در خیابان‌ها، شعار مورد علاقه‌ی اصلاح‌طلبانی که بارها اثبات کرده‌اند مدافع وضع موجودند، وردِ زبان همه شده است. در خانه بمانیم یعنی حرکت نکنیم. به تعبیر هانا آرنت «وقتی واژه‌ی آزادی را می‌شنویم، از میان همه‌ی آزادی‌های خاص که ممکن است به ذهن ما بیاید، آزادی حرکت از نظر تاریخی کهن‌ترین و همچنین بنیادی‌ترین است. توانایی رفتن از جایی به جایی دیگر، نخستین الگوی آزادبودن در رفتار است، همان‌طور که محدودکردن آزادی حرکت از دوران بسیار قدیم پیش‌شرط بردگی بوده است.» [۹]

ویروس کرونا و سلب آزادی حرکت در شمار آخرین هدایای جهان سرمایه‌داری به انسان است.

سلب آزادی حرکت در محبس‌خانه‌ها و آپارتمان‌ها نیز بیماری‌های خاص خود را دارد. افسردگی، اضافه وزن، کمبود ویتامین د، زوال عقل، ضعف بینایی، ناتوانی، روزمرگی و تبدیل شدن بیش از پیش انسان به مصرف‌کننده‌ی بازارهای مجازی و بازی‌ها و سایر محصولات آن‌لاین.

ونسان ون گوگ نقاشی **هواخوری زندانیان** را در سال ۱۸۹۰ کشید، در دورانی که به شدت افسرده بود. زندانیان با سرها و شانه‌های افتاده در میان دیوارهای سنگی بلند زیر نظارت مأموران زندان راه می‌روند. در فضایی تیره و تنگ دور خود می‌چرخند. یأس و رنجوری در بدن تک تک زندانیان پیداست. یکی از زندانیان با چهره‌ای زرد و بیمارگون به بیننده زل زده است. دریچه‌ها کوچک و بسیار دور از دست‌رس محبوسان است. با همه‌ی این‌ها از دریچه‌ها دو پروانه‌ی کوچک سفید پرزنان وارد زندان شده‌اند، گویی خبر از ادامه‌ی زندگی و آمدن بهار می‌دهند. ون گوگ زمانی که در آسایشگاه روانی بستری بود برای توصیف و بازنمایی حس حبس‌شدگی و تنگنای جسمی و روحی این اثر را خلق کرد. اگر ون گوگ بحران سال ۲۰۲۰ را تجربه می‌کرد چه‌بسا شمار زندانیان را کاهش

می‌داد و شمار ناظران را افزایش می‌داد، ناظرانی که با فاصله از یکدیگر و دور از زندانیان ایستاده وضع را نظاره می‌کنند و شاید چراغ‌های کم‌رمتی زندان‌های بی‌شماری در آن سوی دریچه‌ها در چشم‌انداز بود. اما آیا ون‌گوگk شمار پروانه‌ها را هم بیش‌تر می‌کرد؟

ویروس کرونا فراگیرتر، ناپیدتر، ناشناخته‌تر و سریع‌تر از آن است که بتوان مکان‌هایی همچون زندان‌ها را از سایر فضاهای شهری سوا کرد. سلامتی هر فردی در هر جای جهان به سلامتی تمام انسان‌ها گره خورده است. سلامتی هر زندانی در هر کدام از سلول‌ها و سیاه‌چاله‌های جهان به سلامتی آزادترین انسان‌ها در آزادترین نقاط جهان گره خورده است. بسیاری به خود قرنطینگی روی آورده‌اند، ماه‌هاست انسان‌ها در چهاردیواری خانه‌ها و آپارتمان‌ها محبوس‌اند. تک‌افتاده در بند هزاران هزار زندان ساخته‌ی جهان سرمایه‌داری‌اند. تبی سرد بر پیشانی جهان سرمایه‌داری نشسته و شهرهای جهان را به شهرهای هزاران هزار زندان بدل کرده است. دیستویایی که شعار در زندان بمانیم آخرین زاینده‌ی مغز عقیم ساکنانش است. گویی دوران قرارداد اجتماعی و حضور جمعی در میدین و بازارها و خیابان‌های شهر به سر آمده است. واقعیت سیاه‌تر از آن است که بتوانیم از سیاه‌نمایی طفره برویم. وقت هواخوری جمعی زندانیان جهان سرمایه‌داری به پایان رسیده است. حضور جمعی زندانیان محبوس در خانه‌ها در هواخوری جامعه پرخطر، در بسیاری مکان‌ها غیرعقلانه، در برخی مکان‌ها غیرقانونی و در همه‌ی مکان‌ها برابر با مرگ شماری از خودمان است.

می‌توانیم در روزمرگی چهاردیواری‌هایمان منتظر عادی‌شدن اوضاع و بازگشت به دنیایی شکننده‌تر از پیش به موبایل‌هایمان زل بزنیم. باری، بازگشت به دنیای پیش از ویروس کرونا بعید به نظر می‌رسد. شکل جهان، شکل روابط و مناسبات بشر، شکل بازارها و شهرها و زندان‌ها تغییر می‌کند. شاید بدیلی متولد شود، تغییر نظام مسلط بر جهان بدیل این وضعیت است. تغییر خود بدیل است، بدیلی که از دل همین وضعیت متولد می‌شود، بدیلی که دست کم شکل زندان‌هایش بهتر از زندان‌های جهان سرمایه‌داری است. ویروس کرونا نه فقط زندان‌های نظام‌های قضایی را با اجتماع بزرگ‌تر یکی کرده، بلکه میلیون‌ها

آپارتمان بی کیفیت را به مجتمع‌های زندانی بدل کرده است و خیابان‌های خالی از کاسبان و مشتریان را برای توده‌های تهی‌دست و به‌حاشیه‌رانده به زندان تبدیل کرده است؛ توده‌هایی که محروم شده‌اند از قراردادهای کاری، دستمزدهای روزانه، مراقبت‌های بهداشتی و بیمه‌های سلامتی و بیکاری جهان سرمایه‌داری. این توده‌ها در زندان شهرهای خالی در معرض ویروس‌های مرگ‌آور به حال خود رها شده‌اند. نظام‌های بهداشتی جهان سرمایه‌داری شکست خورده‌اند و با شکست‌شان جهان را برای تمام انسان‌ها بدل به زندان کرده‌اند.

نقد وضع موجود نیاز به تأمل در وضع موجود و اندیشیدن به جهانی بهتر دارد، نه بی‌وقفه‌دویدن در ماراتن انسان‌های تک‌افتاده به دنبال ثروت و موفقیت و شهرت. وضع موجود دومی را، بی‌وقفه‌دویدن را، از انسان گرفته است، اما اولی هنوز امکان‌پذیر است؛ اتحاد زندانیان، همبستگی انواع گوناگون زندانیان جهان سرمایه‌داری برای فشار آوردن بر ساختارهای سترون جهان سرمایه‌داری امکان‌پذیر است. آن‌که بشر را و طبیعت را به این نقطه رساند بشر است و آن‌که می‌تواند بشر را و طبیعت را از تنگنای این زندان‌ها رهایی بخشد بشر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ناصر ربیعی، احمد راهرو خواجه، **تاریخ زندان**، ۱۳۹۰، تهران: نشر ققنوس، نسخه ی الکترونیکی، شماره صفحه در نسخه‌های مختلف فرق می‌کند.
۲. در مورد بیماری‌های شایع در زندان‌های ایران نگاه کنید به: گلچای محمدجواد، رمضان پور افشار، «شیوع بیماری‌های پوستی واگیردار در زندانیان زندان لاکان شهرستان رشت»، مجله‌ی دانشگاه علوم پزشکی گیلان، زمستان ۱۳۸۱، دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۴۴، صص ۹ تا ۱۳ و محمدباقر صدری مقدم،

بیماری‌های زندانیان در زندان، وبسایت اداره ی کل زندان‌ها و اقدامات

تأمینی و تربیتی استان تهران، ۲۰۱۶.

۳. ایرنا، شیوع کرونا در دو زندان چین، تاریخ انتشار ۲ اسفند ۱۳۹۸، تاریخ

مشاهده ۲۶ اسفند ۱۳۹۸.

۴. ۶ inmates died in Italian prison riots started in response to measures meant to contain coronavirus, [Businessinsider](#), Angelo Amante and Stephen Jewkes, Reuters Mar ۹, ۲۰۲۰.
۵. An Epicenter of the Pandemic Will Be Jails and Prisons, if Inaction Continues, [New York times](#), Amanda Klonsky, March ۱۶, ۲۰۲۰.
۶. Parts of San Quentin prison under quarantine as a precaution, [Los Angeles Times](#), PAIGE ST. JOHNSTAFF, MARCH ۱۵, ۲۰۲۰.
۷. Mass escape in at least ۴ Brazilian prisons amid coronavirus outbreak, [New York Post](#), March ۱۷, ۲۰۲۰.
۸. How Prisons and Jails Can Respond to the Coronavirus, [The New Yorker](#), March ۱۴, ۲۰۲۰.

۹. هانا آرنهت، ۲۰۱۶، «انسان‌ها در عصر ظلمت»، ترجمه ی مهدی خلجی،

منتشر شده در آموزشکده ی توانا، ص ۵۵.